

فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، علمی - پژوهشی، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰

واکاوی نظریه هدف‌مندی ترجمه از منشور نظریه نظام‌های اجتماعی لومان

بهزاد فنسولی (دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد)

ghonsooly@yahoo.com

علیرضا جمالی منش (عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات انگلیسی،

دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار، نویسنده مسؤول)

alireza.jamalimanesh@gmail.com

چکیده

یکی از رویکردهای تأثیرگذار بر حوزه مطالعات ترجمه نقش‌گرایی است. نمود اصلی رویکرد نقش‌گرایی را در نظریه هدف‌مندی ترجمه می‌توان دید. هدف این پژوهش، بررسی تطبیقی اجزای نظریه هدف‌مندی ترجمه از دیدگاه نظریه نظام‌های اجتماعی نیکلاس لومان است. بررسی‌های انجام شده در این نوشتار حاکی از این هستند که نظام ترجمه نه تنها نظامی متمایز، خودارجاع و دگرارجاع است، بلکه دارای بستر عملیاتی، پیوند ساختاری و رسانه ارتباطی نمادین مخصوص به خود است. پایبندی مترجم به نیازها و انتظارات مخاطبان و خرده نظام‌های گوناگون جامعه مقصد به معنای حاشیه‌ای بودن نقش و پایگاه اجتماعی مترجمان نیست، بلکه به نقش خرده نظام ترجمه و ارتباط آن با سایر خرده نظام‌های اجتماعی مرتبط است. فلسفه وجودی ترجمه - به عنوان یک نظام اجتماعی - در گروهی برقراری ارتباط میان فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف است. با بهره‌گیری از چشم‌انداز و بن‌نگره ارائه شده در نظریه نظام‌های اجتماعی لومان، می‌توان به انتقادهای مخالفان نظریه هدف‌مندی ترجمه پاسخ گفت و نقش و جایگاه حقیقی نظام ترجمه را در ارتباط با سایر خرده نظام‌های اجتماعی، بهتر درک کرد. **کلیدواژه‌ها:** نقش‌گرایی، نظام‌های اجتماعی، نظام ترجمه، نظریه هدف‌مندی ترجمه.

مقدمه

نقش‌گرایی^۱ یکی از رویکردهای تأثیرگذار در حوزه مطالعات ترجمه است. این رویکرد، که معطوف به هدف ترجمه است، نخستین بار در دهه هشتاد از سوی نقش‌گرایان آلمانی مطرح شد. نظریه‌های

۱- functionalism

نقش گرا، بر نقش کنشگران درگیر در بازار ترجمه تأکید می‌کنند. از همین روی، این نظریه‌ها را می‌توان در گروه نظریه‌های جامعه‌شناختی ترجمه جای داد؛ چرا که این نظریه‌ها توجه خود را به جای متن، بر میانجیان درگیر در فرایند آفرینش متن متمرکز می‌کنند (وولف، ۲۰۰۷، ص ۱۱).

نمود رویکرد نقش‌گرایی را در نظریه هدف‌مندی ترجمه^۱ می‌توان دید. این نظریه نخستین بار از سوی ورمیر ارائه شده است (پیم، ۲۰۰۷، ص ۳۹). در آغاز دهه هشتاد، نظریه هدف‌مندی ترجمه، خواستار گزینش رویکردی نقش‌مدارتر به ترجمه شد (لمبرت، ۲۰۰۶، ص ۱۱۶). نظریه هدف‌مندی ترجمه مثل نظریه‌های نظام چندگانه و مطالعات توصیفی ترجمه رویکردی اجتماعی-فرهنگی نسبت به ترجمه دارد (هانگ، ۲۰۰۵، ص ۸).

پیرامون نظریه هدف‌مندی ترجمه بسیار سخن گفته شده است. در سال‌های اخیر، پژوهش‌های بسیاری در حوزه‌های مختلف مطالعات ترجمه بر مبنای این نظریه انجام شده است. اسکوپوس واژه‌ای یونانی، و به معنای هدف، است. این واژه نخستین بار در دهه ۱۹۷۰ میلادی از سوی هانس ورمیر مطرح شد. اسکوپوس در نظریه ورمیر به معنای «هدف ترجمه» و یا «هدف فرایند ترجمه» است (ماندی، ۲۰۰۱، ص ۷۸). از دیدگاه ورمیر (۲۰۰۴)؛ هدف ترجمه، برآوردن نیازها و انتظارات خوانندگان فرهنگ مقصد است. ورمیر این نیازها و انتظارات را، اسکوپوس می‌نامد (اسنیل-هورنبی، ۲۰۰۶، ص ۵۱).

نیاز به نظریه هدف‌مندی ترجمه از نیمه دوم قرن بیستم به تدریج احساس شد. در این دوره بود که مترجمان، بیش از پیش، به ترجمه‌ی غیرادبی روی آوردند. در نظریه هدف‌مندی ترجمه، به ترجمه به چشم فرایند رمزگردانی^۲ نگریسته نمی‌شود. ترجمه کنشی انسانی است که برای رسیدن به هدفی خاص انجام می‌شود. به باور ورمیر، نیازهای متن مقصد، اهداف و راهبردهای ترجمه را تعیین می‌کند (شافنر: ۲۰۰۱، ص ۲۳۴-۲۳۸).

بر اساس نظریه هدف‌مندی ترجمه، مهم‌ترین مسأله در ترجمه، هدف مترجم و کارکرد متن ترجمه شده زبان مقصد است. این نظریه، تفاوت‌های زیادی با نظریه‌های متن‌مدار دارد. آنچه موجب تفاوت نظریه هدف‌مندی ترجمه از نظریه‌های پیشین می‌شود، چرخش مطالعات ترجمه به سوی

۱- Skopos theory

۲- Codification

فرهنگ است. از نگاه گنتز، دو تحول عمده در نظریه‌های ترجمه در دو دهه اخیر به قرار زیر است: الف) حرکت از محوریت متن مبدأ به محوریت متن مقصد (یا به تعبیر ورمیر از تخت به زیر کشیدن متن اصلی) (پرانچ، ۲۰۰۷: ۴۰)؛ ب) حرکت مدل‌های آموزش ترجمه به سوی عوامل فرهنگی-زبانی (بسنیت، ۲۰۰۹، ص ۴۰).

به باور ورمیر، ترجمه‌کنشی است در جهت دست یافتن به یک هدف خاص. این هدف همیشه یکسان نیست. هدف ترجمه الزاماً برقراری تعادل میان متن اصلی و متن ترجمه نیست. هدف ترجمه از طریق مذاکره و گفت و گو میان کنشگران گوناگون درگیر در فرایند ترجمه تعیین می‌شود. ورمیر، سفارش ارائه شده از سوی مشتری را عاملی کلیدی می‌داند (آرمسترانگ، ۲۰۰۵، ص ۴۴).

بر اساس نظریه هدف‌مندی ترجمه، روند تصمیم‌گیری مترجم بر مبنای هدف ترجمه استوار است. این گفته به معنای فاصله گرفتن ترجمه از متن اصلی و اهداف نویسنده متن اصلی است. از همین روی، نظریه هدف‌مندی ترجمه بیشتر در مورد متون فنی و تخصصی و یا متون خبری قابل اعمال است و در مورد متون دینی و یا حقوقی (که انتقال اجزای زبانی و مفاهیم متن اصلی در آنها اولویت دارد) کمتر به کار گرفته می‌شود (بیلسا و بسنت، ۲۰۰۹، ص ۸).

نظریه هدف‌مندی ترجمه در حوزه مطالعات ترجمه با استقبال گسترده‌ای مواجه شده است؛ از این رو بسیاری از پژوهشگران برای واکاوی آثار گوناگون ترجمه شده از این نظریه بهره گرفته‌اند. کریستین نورد (۲۰۰۵)، با استفاده از این نظریه، ترجمه‌های انجام شده از کتاب عهد جدید را بررسی کرده است. جینگ و سوژن، پژوهشگران چینی (۲۰۰۸) نیز، برای بررسی آثار ترجمه شده در حوزه جهانگردی، از این نظریه سود برده‌اند.

به رغم استقبال گسترده ترجمه پژوهان از نظریه هدف‌مندی ترجمه، برخی از پژوهشگران فعال در حوزه مطالعات ترجمه این نظریه را مورد انتقاد قرار داده‌اند. در بخش سوم این نوشتار، دیدگاه‌های مخالفان این نظریه و استدلال‌های آنان را به تفصیل بررسی خواهیم کرد. به باور مخالفان نظریه هدف‌مندی ترجمه این نظریه با اصول اخلاقی و پیشه‌گانی حرفه مترجمی در تضاد است؛ چرا که در این نظریه مترجمان خود را کمتر به متن اصلی پایبند می‌دانند و بر اساس نیازها و انتظارات مخاطبان خود در فرهنگ مقصد عمل می‌کنند.

نکته مهمی که نباید از نظر دور داشت این است که نظریه هدف‌مندی ترجمه، سؤالات بی‌شماری در زمینه هویت، شأن و پایگاه اجتماعی مترجمان برانگیخته است. این نکته از آن جهت حائز اهمیت است که برخی از پژوهشگران در پژوهش‌های خود کوشیده‌اند وجهی مترجمان را مخدوش کنند و استقلال فکری و هویت آنان را زیر سؤال ببرند.

هدف این پژوهش، بررسی تطبیقی اجزای نظریه هدف‌مندی ترجمه از دیدگاه نظریه نظام‌های اجتماعی نیکلاس لومان است. در این نوشتار، در گام نخست، نگاهی گذرا به نظریه هدف‌مندی ترجمه و دیدگاه‌های حامیان و منتقدان این نظریه خواهیم داشت. در گام دوم، نظریه نظام‌های اجتماعی لومان و مفاهیم کلیدی آن را شرح خواهیم داد. در گام سوم، پیوند میان اجزای نظریه هدف‌مندی ترجمه و مفاهیم نظریه نظام‌های اجتماعی لومان را بررسی می‌کنیم و می‌کوشیم جایگاه خرده نظام ترجمه و کنش‌های متقابل این خرده‌نظام با سایر خرده‌نظام‌های جامعه را تبیین نماییم. در پایان نیز تلاش خواهیم کرد از رهگذر نظریه نظام‌های اجتماعی لومان از نظریه هدف‌مندی ترجمه دفاع کنیم و از هویت و جایگاه مترجمان دیدگاهی متفاوت به دست دهیم.

نظریه هدف‌مندی ترجمه

نظریه هدف‌مندی ترجمه، بخشی از نظریه کنش ترجمه‌ای^۱ است. در این نظریه، ترجمه یکی از گونه‌های خاص کنش ترجمه‌ای و مبتنی بر متن مبدأ است (هلز - ماتتاری، ۱۹۸۴، ص ۴۲؛ نورد، ۱۹۸۸، ص ۳۱). تمامی اشکال گوناگون کنش ترجمه‌ای، و در نتیجه خود ترجمه را، می‌توان نوعی کنش قلمداد کرد. هر کنشی هدفی دارد. «اسکوپوس» و اثرهای تخصصی است که بر هدف ترجمه دلالت می‌کند. افزون بر این، هر کنش نتایجی به دنبال دارد، به خلق شرایطی جدید می‌انجامد و یا پدیده‌ای جدید به وجود می‌آورد. کنش ترجمه‌ای به آفرینش متن مقصد منجر می‌شود. فرآورده فرایند ترجمه، متن ترجمه شده است (ورمیر، به نقل از ونوتی، ۲۰۰۴: ۲۲۱).

در کنش ترجمه‌ای مترجم در برابر کنش‌های خود مسئول است. مسئولیت پیشبرد کنش ترجمه‌ای و تولید فرآورده نهایی بر عهده مترجم است؛ در نتیجه مترجم هدف ترجمه و راهکارهای انجام ترجمه را

۱- Translational action theory

از نگاه خود تعریف می‌کند (ورمیر، به نقل از ونوتی، ۲۰۰۴: ۲۲۲). بدین ترتیب، می‌توان چنین نتیجه گرفت که یکی از اهداف نظریه هدف‌مندی ترجمه، ارتقای شأن و منزلت اجتماعی مترجمان و بها دادن به دیدگاه‌ها و نظرات آنان در مقام میانجیان فرهنگی است.

یکی از جنبه‌های مهم کنش ترجمه‌ای، نگرش جدید مترجم به جایگاه متن اصلی در فرایند ترجمه است. مترجم باید سایر مترجمان و افکار عمومی را از این جایگاه جدید آگاه سازد (همان، ص ۲۲۲). مترجمان باید بکوشند تمرکز افکار عمومی و دیگر مترجمان بر متن اصلی را کاهش دهند و توجه آنها را به سوی کنش ارتباطی ترجمه جلب کنند.

در کنش ترجمه‌ای به مترجم به چشم یک فرد متخصص و خبره نگریسته می‌شود. مشتریان به دانش و تخصص مترجم نیازمند هستند و از همین روی به مترجم مراجعه می‌کنند. کنشگران درگیر در فرایند ترجمه، با مترجمان مشورت و در روند تصمیم‌گیری‌های خود از دیدگاه‌های آنان استفاده می‌کنند (همان، ص ۲۲۲). بدین ترتیب، مترجمان مجال می‌یابند تا برای برقراری ارتباط فرهنگی و گزینش راهبردی مناسب برای نوآفرینی متن مبدأ در زبان مقصد از دانش خود بهره گیرند.

مترجمان مورد اعتماد جامعه هستند؛ چرا که به زیر و بم کار خود آشنا هستند و دانش آنها نسبت به موضوع کار خود از دانش سایر افراد بیشتر است. مترجمان در نقش میانجیان فرهنگی، فرهنگ‌های گوناگون را به هم پیوند می‌دهند. اهمیت پایگاه اجتماعی مترجمان نیز از همین امر ناشی می‌شود. مترجم - از طریق مذاکره با مشتریان - روند پیشبرد طرح ترجمه یک اثر را ترسیم می‌کند. مترجم و مشتریان گاهی اوقات برای یافتن یک راه‌حل مناسب برای ترجمه یک اثر، مدت‌ها با یکدیگر گفت و گو می‌کنند (همان، ص ۲۲۳).

هدف‌مندی ترجمه

متن مبدأ بر اساس شرایط خاص حاکم بر زبان و فرهنگ مبدأ نوشته می‌شود. از همین روی، مترجم - در نقش میانجی فرهنگی - باید نقش خاصی را که متن ترجمه شده قرار است در فرهنگ مقصد ایفا کند مد نظر قرار دهد. گاهی اوقات نویسنده متن اصلی می‌کوشد متنی با کارکردهای فرافرهنگی خلق کند؛ با وجود این، ناآشنایی او با اصول حاکم بر ارتباطات میان فرهنگی موجب می-

شود تا متن اصلی نتواند به اهداف فرافرهنگی خود دست یابد. از همین روی، یکی از وظایف اصلی مترجم نوآفرینی متن مبدأ در بافت فرهنگی زبان مقصد است (همان، ص ۲۲۳).

وظیفه مترجم، برقراری ارتباط میان فرهنگی است. بنابراین، ترجمه فقط رمزگردانی نیست. از طریق رمزگردانی صرف نمی‌توان متنی متناسب با معیارها و اصول حاکم بر زبان و فرهنگ مقصد به دست داد. متن اصلی برای خوانندگان جامعه مبدأ نوشته شده، حال آنکه متن مقصد معطوف به خوانندگان جامعه مقصد است. اعتبار ترجمه در گرو همخوانی آن با نیازهای خوانندگان متن مقصد است (همان، ص ۲۲۴). مترجم بر اساس هدفی که از پیش برای متن ترجمه شده در زبان و فرهنگ مقصد در نظر گرفته شده است، تعیین می‌کند که آیا شکل و نقش متن اصلی اساساً برای عرضه به فرهنگ مقصد مناسب است یا خیر. بنابراین، مترجم باید میزان انسجام بینامتنی موجود میان متن مبدأ و متن مقصد را تعیین کند. ماهیت رابطه موجود میان متن اصلی و متن ترجمه شده بر مبنای هدف ترجمه تعیین می‌شود. البته نکته مهمی که نباید از نظر دور بداریم این است که پابندی به اسکوپوس، الزاماً به معنای پابندی به انتظارات فرهنگ مقصد نیست. گاهی اوقات هدف مترجم از ترجمه یک متن، بازآفرینی دقیق سبک و نحو متن اصلی در زبان مقصد است (همان، ص ۲۲۳) تصمیم‌گیری‌های مترجم در جریان فرایند ترجمه مبتنی بر هدفی است که از پیش برای متن ترجمه شده در زبان و فرهنگ مقصد در نظر گرفته شده است.

کنش ترجمه‌ای، نوعی کنش رفتاری است. مترجم باید برای کنش‌های خود توضیحات قانع‌کننده‌ای داشته باشد. دلیل کنش ترجمه‌ای، همان هدف ترجمه است. دلایل کنش ترجمه‌ای را می‌توان در قالب هدف ترجمه بیان کرد. میان علت ترجمه و دلیل ترجمه تفاوتی ظریف وجود دارد. مترجم، فرایند ترجمه را بر مبنای دلیلی خاص - که همان هدف ترجمه است - به پیش می‌برد. از همین روی، کنش وی کنشی هدفمند است (همان، ص ۲۲۴).

چند و چون سفارش ترجمه یک اثر^۱

ترجمه، کنشی ارادی است که بیشتر اوقات بر اساس سفارش مشتریان انجام شود. سفارش، به معنای دستورالعمل چگونگی انجام کنش است. سفارش ترجمه یک اثر ممکن است ناشی از انگیزه‌های

۱- The translation commission

شخصی خود مترجم و یا ناشی از انگیزه‌ها و نیازهای مشتریان و مبتنی بر سفارش آنها باشد. امروزه بسیاری از سفارش‌ها معمولاً به صورت آشکار مطرح می‌شوند (لطفاً این متن را ترجمه کنید)؛ با وجود این، بیشتر اوقات از نحوه سفارش و شرایط حاکم بر فرایند سفارش ترجمه یک اثر می‌توان به اهداف و مخاطبان سفارش‌دهنده پی برد (همان، ص ۲۲۹).

سفارش ترجمه یک اثر شامل دو بخش اساسی است: هدف ترجمه و شرایط چگونگی انجام ترجمه (میزان دستمزد افراد درگیر در فرایند ترجمه و بازه زمانی تعیین شده برای انجام ترجمه). مترجم و سفارش‌دهنده باید جزئیات مربوط به هدف و شرایط انجام ترجمه را از طریق مذاکره دقیقاً تعیین کنند؛ چرا که در بسیاری از موارد، سفارش‌دهنده شناخت صحیحی از فرایند ترجمه و شرایط حاکم بر آن ندارد. سفارش‌دهندگان و افراد درگیر در فرایند ترجمه باید به توافق حاصل شده پایبند باشند (همان، ص ۲۳۰).

نقدهای مطرح شده درباره نظریه هدف‌مندی ترجمه

هر کنشی هدفمند نیست.

یکی از نقدهای مطرح شده درباره نظریه هدف‌مندی ترجمه این است که هر کنشی هدفمند نیست. این نقد به عرصه ترجمه متون ادبی مرتبط است. منتقدان نظریه هدف‌مندی ترجمه بر این باورند که بسیاری از آثار ادبی به صورت فی‌البداهه و شهودی آفریده می‌شوند. به سخن دیگر، نویسنده یا آفریننده اثر ادبی، پیش از آفرینش اثر، هیچ هدف خاصی ندارد.

ورمیر، در پاسخ به این نقد، بی‌هدف بودن اثر ادبی را زیر سؤال می‌برد. از دیدگاه وی، این مسأله که آفریننده اثر ادبی یا مترجم ادبی به هدف خود اشاره نمی‌کند، به معنای بی‌هدف بودن کنش وی نیست. او یا از هدف کنش خود آگاه نیست و یا تمایلی به ابراز آن ندارد (همان، ص ۲۲۴).

هر ترجمه‌ای هدفمند نیست

نقد دیگری که به نظریه هدف‌مندی ترجمه وارد می‌شود این است که بسیاری از ترجمه‌ها بدون سفارش مشتری و صرفاً بنا به خواست و علاقه شخصی مترجم انجام می‌شوند. به بیان دیگر، مترجم همیشه در پی تأمین نیازها و مطالبات سفارش‌دهنده نیست. ورمیر، در پاسخ به این نقد، خاطر نشان می‌-

کند که اسکوپوس یا هدف ترجمه، الزاماً به سفارش دهنده مربوط نمی‌شود. گاهی نیز انگیزه‌های شخصی مترجم او را بر آن می‌دارد تا یک اثر خارجی را در زبان خود، نوآفرینی کند. بر اساس تعریف ورمیر، انگیزه‌ی شخصی مترجم نیز، به خودی خود، نوعی اسکوپوس قلمداد می‌شود (همان، ص ۲۲۶).

تمایز میان مفهوم انتزاعی متن و نمود عینی آن

نقد دیگری که درباره نظریه هدف‌مندی ترجمه مطرح شده این است که میان مفهوم انتزاعی متن و نمود عینی آن تفاوت‌هایی وجود دارد. به بیان دیگر، زمانی که نویسنده یا مترجم متنی را می‌آفریند؛ آن متن ممکن است در بافت‌ها و نقش‌های متفاوت و در معانی گوناگونی به کار گرفته شود. ورمیر، در پاسخ به نقد یادشده، به این نکته اشاره می‌کند که هدف مترجم، آفرینش ترجمه‌ای است که در شرایط خاص زبان مقصد - که مد نظر اوست - به هدف تعیین شده دست یابد. بازخوانی‌های متفاوت متن ترجمه شده در شرایط گوناگون، به نظریه هدف‌مندی ترجمه خدشه‌ای وارد نمی‌کند (همان، ص ۲۲۸).

تمرکز صرف بر متن مقصد

یکی از نقدهای دیگر وارد شده به نظریه هدف‌مندی ترجمه این است که در این نظریه، مترجم ملزم به پیروی کامل از اصول و ارزش‌های متن مقصد است. ورمیر این نقد را رد کرده و آن را نشانه کژفهمی متقدمان نظریه هدف‌مندی ترجمه دانسته است. به باور ورمیر، اسکوپوس بدان معناست که مترجم فرایند ترجمه را بر اساس اصل «محوریت متن مقصد» به پیش می‌برد. از همین روی، مترجم خود، تصمیم می‌گیرد که بهترین شیوه ممکن برای دستیابی به هدف ترجمه، کدام است (همان، ص ۲۲۸).

سایر نقد‌های وارد شده به نظریه هدف‌مندی ترجمه

لئون، یکی از اعضای گروه تحقیقاتی دانشگاه پالماس، بر این باور است که نظریه هدف‌مندی ترجمه، معیار مناسبی برای ارزیابی روش ترجمه فراهم می‌کند. با وجود این، به باور وی، نظریه هدف‌مندی ترجمه معیار دیگری - جز ایجاد تأثیر مورد نظر - برای ارزیابی روش ترجمه به دست نمی‌دهد (لئون، ۲۰۰۸، ص ۱۴).

مین سانوو، پژوهشگر دانشگاه ساربروکن، نیز معتقد است نظریه هدف‌مندی ترجمه توانسته کارایی خود را در عمل به اثبات رساند:

پژوهشگران حامی مطالعات نقش‌گرای ترجمه بر این باورند که مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر ترجمه، هدف آن است. با وجود این، این پژوهشگران هنوز نتوانسته‌اند نشان دهند که اسکوپوس چگونه بر فرآیند ترجمه تأثیر می‌گذارد و تأثیر آن بر فرآورده ترجمه چیست. افزون بر این، آنان نتوانسته‌اند به این سؤال پاسخ گویند که فرآیند ترجمه دقیقاً بر اساس چه هدفی صورت می‌گیرد (۲۰۰۷، ص ۱).

کریستینا شافنر، برخی از نقدهای وارد شده به نظریه هدف‌مندی را نتیجه کژفهمی منتقدان و بخش دیگر را نتیجه ابهام مفاهیم کلیدی «کارکرد» و «نقش» (در ادبیات کلامی نقش‌گرایان) می‌داند. به زعم شافنر، واژه «نقش» گاهی در معنای نقش متن مقصد در موقعیت ارتباطی فرهنگ مقصد، و گاهی به معنای نقش واژه یا عبارت در ساختار متن به کار رفته است (۱۳۸۵، ص ۳۴). از نگاه شافنر، «نقدهای وارد شده بر نظریه هدف‌مندی، عمدتاً به تعریف ترجمه و یا رابطه متن مبدأ و متن مقصد مرتبط هستند. در این نظریه، مرز بین ترجمه و اقتباس مشخص نیست و متن اصلی که همواره معیار ارزشیابی ترجمه بوده است مورد توجه چندانی قرار نمی‌گیرد و از مقام بالای معیار بودن به مقام پایین منبع الهام بودن تنزل می‌یابد. بنابراین، باید گفت از آنجا که در نظریه اسکوپوس گرایش به زبان و فرهنگ مقصد بیشتر است و هدف ترجمه می‌تواند متفاوت از هدف متن اصلی باشد، به کارگیری آن در متون حساس مانند متون دینی مناسب نیست و مورد انتقاد می‌باشد» (شافنر، به نقل از منافی اناری، ۱۳۸۷، ص ۶۶).

مدافعان نظریه هدف‌مندی ترجمه

به رغم انتقادات گسترده مطرح شده درباره‌ی نظریه هدف‌مندی ترجمه، شماری از اندیشمندان حوزه مطالعات ترجمه، دید مثبتی نسبت به این نظریه دارند. به باور هورنبی، یکی از دستاوردهای اصلی نظریه هدف‌مندی ترجمه، نسبی‌سازی متن اصلی و متن ترجمه شده است. بر اساس این نظریه، هیچ ترجمه‌ای بهترین و کامل نیست و فرآیند ترجمه به هدف ترجمه و شرایط اجتماعی وابسته است (اسنل هورنبی، ۲۰۰۶، ص ۵۲). به باور ریس، از جمله شرایط حاکم بر فرآیند ترجمه می‌توان به شرایط زبانی، شرایط فرهنگی و شرایط بازار ترجمه اشاره کرد (ونوتی، ۲۰۰۴، ص ۲۲۱).

کریستین نورد، با دفاع از نظریه هدف‌مند ترجمه، کوشیده است تا ابهام‌های مطرح شده در ارتباط با این نظریه را بزدايد:

مقصود از نظریه هدف‌مندی این نیست که مشتری به مترجم بگوید که چگونه کارش را انجام دهد. مشتری نمی‌تواند به مکانیک خود بگوید که چگونه ماشین او را تعمیر کند یا به وکیل خود بگوید که چگونه در دادگاه از او دفاع کند. مترجم از توانش حرفه‌ای خود برای گزینش بهترین روش‌ها و راهبردها بهره می‌گیرد. توانش حرفه‌ای مترجم، مبنای وفاداری وی به مشتری و اعتماد مشتری به وی در فرآیند میانجی‌گری فرهنگی است (۲۰۰۶، ص ۲۹).

پیچیدگی نیز بر این باور است که «در نظریه هدف‌مندی ترجمه، مترجم در رویارویی با متن اصلی تنها نیست. او یکی از طرف‌های درگیر در یک کنش ارتباطی پیچیده است. در این کنش ارتباطی، خواسته‌های مشتریان مهم‌تر از متن اصلی است (پیچیدگی، ۲۰۱۰، ص ۴). بسنت نیز، نظریه هدف‌مندی ترجمه را- در کنار نظریه نظام‌های چندگانه- یکی از تحولات عمده مطالعات ترجمه در دهه هشتاد می‌داند (۲۰۰۲، ص ۲).

کاسکینن، نیز در رساله دکترای خود، «در فراسوی چندگانگی»، پس از واکاوی روند تحول نظریه‌های ترجمه در چند دهه اخیر، به این نتیجه می‌رسد که پیدایش نظریه‌هایی چون نظریه هدف‌مندی، نویدبخش آغاز روندی جدید در مطالعات ترجمه است:

بسیاری از رویکردهای نظری جدید مطرح شده در مطالعات ترجمه، در دهه ۱۹۹۰ (مانند فمینیسم و متن‌خواری^۱) همچنان ناظر بر ترجمه ادبی هستند. با وجود این، پیدایش نظریه هدف‌مندی ترجمه که مبتنی بر متون غیرادبی است، می‌تواند روند کنونی را دگرگون کند (۲۰۰۰، ص ۱۰).

نظریه نظام‌های اجتماعی^۲ لومان

نظریه نظام‌های اجتماعی نیکلاس لومان، جامعه‌شناس آلمانی، در سال ۱۹۷۵ ارائه شده است. ابادری نظریه نظام‌های اجتماعی لومان را یکی از کامل‌ترین و پیشرفته‌ترین نظریه‌های ارائه شده در

۱- Cannibalism

۲- Social systems

عرصه جامعه‌شناسی می‌داند؛ چرا که از نگاه او «هیچ اثر دیگری آرای نظری هادی آن را چنین کامل از خلال نظام‌های متعدد جامعه مدرن که این نظریه آنها را شناسایی کرده، دنبال نکرده است. این نظریه به این سبب کامل‌ترین است که هیچ اثر دیگری میراث نظری خاص آن را برنگرفته و با چنان دقت و بداعتی بسط نداده است» (اباذری، ۱۳۷۹، ص ۳۹). لومان در این نظریه به تحلیل نظام‌های اجتماعی و روابط میان شهروندان پرداخته است. بخشی از نظریه لومان نیز به تبیین کارکردهای اساسی نظام‌های اجتماعی اختصاص یافته است (ترنر، ۱۹۸۲، ص ۶۰). در این بخش از این نوشتار، اصول نظریه نظام‌های اجتماعی لومان را بررسی می‌کنیم و مفاهیم اساسی آن را شرح می‌دهیم.

اصول نظریه نظام‌های اجتماعی لومان

نظریه نظام‌های اجتماعی لومان دارای چند محور اساسی به شرح زیر است:

الف) ارتباطات رویدادهایی گذرا هستند و از همین روی باید به یکدیگر متصل شوند. نظام ارتباطی برای وصل کردن ارتباطات گوناگون به یکدیگر، آنها را بررسی نموده و به طور گزینشی به کار می‌گیرد. از میان همه معانی احتمالی یک ارتباط، فقط تعدادی از این معانی برای ایجاد ارتباط مورد استفاده قرار می‌گیرد (هرمانز، ۲۰۰۵، ص ۶۳)

ب) به باور لومان جامعه مدرن، مجموعه‌ای از خرده نظام‌های متفاوت است. هر یک از این خرده نظام‌ها کارکرد خاصی دارند. در روزگار گذشته ساخت اصلی سازمان اجتماعی بر تقطیع (مانند نظام‌های قبیله‌ای) و قشربندی سلسه مراتبی (مانند جوامع فئودال) استوار بوده است. با وجود این، ویژگی اصلی ساخت جوامع صنعتی و پسا صنعتی این است که خرده نظام‌های تشکیل دهنده این جوامع هر یک کارکرد خاصی دارند (همان، ص ۶۴).

ج) در جامعه مدرن، هر یک از خرده نظام‌ها مبتنی بر یک چارچوب مستحکم (یا به تعبیر لومان یک کد) هستند. این چارچوب‌ها سمت و سوی اصلی فعالیت‌های این خرده نظام‌ها را تعیین می‌کنند. به عنوان مثال، طرح‌واره‌ای که خرده نظام علم از آن تأثیر می‌پذیرد، میان مفاهیم درست و قابل قبول و مفاهیم نادرست و غیر قابل قبول تمایز قائل می‌شود. تمام فعالیت‌هایی که در جهان علم رخ می‌دهند در جهت دستیابی به گزاره‌های صحیح علمی درباره جهان، سازمان یافته‌اند (همان، ص ۶۴).

مفاهیم کلیدی نظریه نظام های اجتماعی لومان

تمایز^۱

یکی از مفاهیم کلیدی نظریه نظام های اجتماعی لومان، تمایز است. خرده نظام های جهان مدرن، از طریق ایجاد تمایز، اطلاعات مورد نیاز خود را گردآوری و پردازش می کنند. هنگامی که یک نظام به خود از رهگذر تمایز اساسی اش می نگرد - یعنی هنگامی که به آن تمایز بنیادینی که موجب تمایز آن از دیگر خرده نظام های جهان مدرن می شود، باز می گردد - این امکان را می یابد تا خودپنداره‌هایی از خود به دست دهد. تمرکز این خود پنداره‌ها بر کلیت نظام سبب می شود تا این خود پنداره‌ها به نظریه‌های انعکاسی تبدیل شوند (همان، ص ۶۵).

خود ارجاعی^۲

از دیدگاه لومان نظام ارتباطی از طریق بازبایی و اصلاح مکرر و خودارجاعانه خود در طی یک بازه زمانی و، نیز، به خاطر آوردن و به فراموشی سپردن گزینشی، به ثباتی معین دست می یابد. ساختارها و شبکه‌هایی که در سایه این ثبات پدید می آیند، احتمال وقوع و احتمال پیش‌بینی برخی از ارتباطات خاص را افزایش می دهند (لومان، ۱۹۹۵، ص ۴۵۸؛ هرمانز، ۲۰۰۷، ص ۶۴).

دگرارجاعی^۳

مفهوم دگرارجاعی نیز مانند دو مفهومی که پیشتر از آنها سخن گفتیم - یعنی مفهوم تمایز و مفهوم خودارجاعی - در نظریه نظام های اجتماعی لومان نقشی کلیدی ایفا می کند. خرده نظام های جهان مدرن به یکدیگر وابسته‌اند. همان‌طور که بدن به ارتباط و ذهن نیازمند است و همان‌طور که ذهن به ارتباط و بدن نیازمند است، شکل‌گیری ارتباط نیز در گرو کارکرد مؤثر بدن و ذهن است خرده نظام های اجتماعی جوامع مدرن نیز با یکدیگر همکاری متقابل دارند (لومان، ۲۰۰۰، ص ۱۲۸).

خودمداری^۴

یکی از مفاهیم کلیدی نظریه نظام های اجتماعی لومان، خودمداری است. به باور لومان خرده نظام های اصلی جهان مدرن - یعنی اقتصاد، سیاست، قانون و علم - شبکه‌هایی خود مدار و خود بسنده‌اند.

۱- differentiation

۲- Self-reference

۳- heteronomy

۴- Self-centeredness

این شبکه‌های خود مدار و خود بسنده، رویدادهای جهان پیرامون خود را بر اساس معیارها و زبان خود تفسیر می‌کنند. برای مثال، سیاست مداران بیانیه‌های اخلاقی کلیسا را بر اساس منافع و واژگان خاص خود تعبیر و تفسیر می‌کنند. فعالان بخش اقتصادی ارزش آثار هنری را بر اساس معیارهای رسانه‌های ارتباطی نمادین متداول در میان سوداگران تعیین می‌کنند.

پیوند ساختاری^۱ و بستار عملیاتی^۲

دانش واژه بستار عملیاتی؛ بر استقلال خرده‌نظام‌ها و دانش واژه پیوند ساختاری، بر تأثیر پذیری خرده‌نظام‌های متفاوت جهان مدرن از یکدیگر دلالت می‌کند. به سخن دیگر، پیوند ساختاری، استقلال یک خرده‌نظام را محدود می‌کند. دانش واژه «پیوند ساختاری» این معنا را می‌رساند که ساختارهای تولید شده توسط یک خرده‌نظام، گذشته از بر آورده ساختن نیازهای خود آن خرده‌نظام، نیازهای سایر خرده‌نظام‌ها را نیز بر آورده می‌سازند. در نتیجه، خرده‌نظام‌های گوناگون می‌توانند با حفظ هویت و تمایز خود در کنار یکدیگر به حیات خویش ادامه دهند (کُچ، ۲۰۰۷، ص ۴۷).

رسانه ارتباطی نمادین^۳

خرده‌نظام‌های جهان مدرن، هر یک، رسانه ارتباطی نمادین خاص خود را دارند، و پیوسته یکدیگر را دستخوش تنش می‌کنند. رهبران کلیسا به خوبی به این امر واقفند که سخنان آنها به گوش سیاست مداران خواهد رسید. سیاست مداران نیز به خوبی به این امر واقفند که عاقلانه آن است که تحولات کلیسا را به دقت دنبال کنند. ارزش مادی آثار هنری، جهان هنر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. واژه تنش در جملات پیش، با واژه‌های «محرک» و «استنباط» مترادف است. واژه «تنش» این معنا را می‌رساند که خرده‌نظام‌های جهان مدرن نسبت به آنچه در پیرامونشان رخ می‌دهد بی‌اعتنا نیستند (لومان، ۲۰۰۰، ص ۱۲۸؛ کُچ، ۲۰۰۷، ص ۱۴۸).

۱- structural coupling

۲- Operational closure

۳- Currency

واکاوی نظام ترجمه

ترجمه در جایگاه یک نظام اجتماعی

در این بخش از این نوشتار، نخست، جایگاه ترجمه - به عنوان یک نظام اجتماعی - را بر مبنای مفاهیم کلیدی نظریه نظام‌های اجتماعی لومان بررسی می‌کنیم. آنگاه تلاش خواهیم کرد تا اعتبار و جایگاه نظریه هدف‌مندی ترجمه را بر اساس نظریه نظام‌های اجتماعی لومان بررسی نماییم.

نظام ترجمه، نظامی متمایز

نظام ترجمه، نظامی متمایز است. به باور هرمانز (۲۰۰۵، ص ۶۶)، «یکپارچگی نظام ترجمه، یا به بیان دیگر احساس تمایزی که در نظام ترجمه شکل می‌گیرد، از کارکرد یا همان نقش خاصی که نظام ترجمه ایفا می‌کند، ناشی می‌شود. وظیفه نظام ترجمه گسترش گستره ارتباطی در فراسوی مرزهای زبانی یک جامعه است. گذر از مرزها و موانع زبانی و گسترش گستره ارتباطی، از رهگذر برقراری ارتباطات جدید و انتقال بازنمودها به زبان‌های گوناگون امکان‌پذیر می‌شود».

با بررسی دیدگاه هرمانز، در می‌یابیم که تمایز و استقلال نظام ترجمه در گروهی نقشی است که این نظام ایفا می‌کند. نقش و کارکرد نظام ترجمه، برقراری ارتباط میان فرهنگی در فراسوی مرزهای زبانی است. این دیدگاه، با اهداف نظریه هدف‌مندی ترجمه، کاملاً سازگار است؛ چرا که در نظریه هدف‌مندی ترجمه، نیز، کنش ترجمه، مبتنی بر هدف فرآیند ترجمه است.

با استفاده از این افق فکری جدید، می‌توانیم به انتقادهای مخالفان نظریه هدف‌مندی ترجمه پاسخ گوئیم. اگر مترجمان، در جریان فرآیند ترجمه، تمامی توجه و تلاش خود را بر رمزگردانی متن اصلی معطوف کنند، موفق به برقراری ارتباط فرهنگی با خوانندگان زبان مقصد نخواهند شد. در صورت ناکامی مترجمان در برقراری ارتباط میان فرهنگی، نظام ترجمه قادر به ایفای نقش اصلی خود نخواهد بود. عدم موفقیت نظام ترجمه در ایفای نقش اصلی خود، جایگاه این نظام - به عنوان یک نظام مستقل - را زیر سؤال می‌برد. این استدلال برای منتقدان نظریه اسکوپوس - که طرفدار پایبندی بی‌چون و چرای مترجم به عناصر زبانی متن مبدأ هستند - تأمل برانگیز است.

خودارجاعی نظام ترجمه

نظام ترجمه، نظامی خودارجاع است. به باور هرمانز، خودارجاعی نظام ترجمه بدان معناست که «نظام ترجمه در رویارویی با مسائل گوناگون- برای مثال مسئله بومی سازی تارنماهای جهانی^۱- چاره ای ندارد جز اینکه خود درباره این مسائل تصمیم گیری کند. به بیان دقیق‌تر، نظام ترجمه برای حل مسائل گوناگونی که فراروی این نظام قرار می‌گیرد، باید با توجه به منابع و شیوه‌هایی که در اختیار دارد، مناسب‌ترین شیوه ارتباطی را انتخاب کند. در صورتی که نظام ترجمه برای حل مسائل گوناگون خود نتواند راه حل مناسبی بیابد، دیگر نمی‌توان آن را یک نظام «خودارجاع» یا «خودزایا» و یا حتی یک نظام نامید» (هرمانز، ۲۰۰۵، ص ۶۵).

با بررسی دیدگاه هرمانز، در زمینه خودارجاعی نظام ترجمه، درمی‌یابیم که مترجمان در ایفای نقش خود از استقلال کامل برخوردارند. به بیان دیگر، بر اساس اصل خودارجاعی نظام ترجمه، مترجمان باید خود به طور مستقل درباره مسائل گوناگون مرتبط با فرآیند ترجمه تصمیم گیری کنند و از میان منابع و شیوه‌هایی که در اختیار دارند، بهترین و کارآمدترین شیوه را برگزینند.

این استدلال، پاسخی به آن دسته از منتقدان نظریه هدف‌مندی ترجمه است که نقش مترجمان را انفعالی و حاشیه‌ای قلمداد می‌کنند. مترجمان برای حل مسائل گوناگون ترجمه، از منابع و امکانات نظام ترجمه بهره می‌گیرند. خودارجاعی مترجمان ناشی از ماهیت خودارجاعی نظام ترجمه- به عنوان یک نظام اجتماعی مستقل و متمایز- است.

دگرارجاعی نظام ترجمه

یکی از ویژگی‌های دیگر نظام ترجمه دگرارجاع بودن این نظام است. به زعم هرمانز «بعد دگرارجاعانه نظام ترجمه، خرده نظام‌های گوناگون جامعه مدرن را قادر می‌سازد تا به فراخور نیازها و مقتضیات خود هم شیوه ترجمه برخی از آثار را تعیین کنند و هم آثار ترجمه شده مورد نیاز خود را بر اساس معیارها و ضوابط مد نظر خود جرح و تعدیل کنند. بُعد خود ارجاعانه نظام ترجمه، موجب می

۱- Global websites

شود تا آثار ترجمه شده در کسوت یک مدرک دانشگاهی، یا یک رمان تاریخی، یا ترجمه یک گفت و گو و یا یک وبسایت بومی شده به حیات خود ادامه دهد» (همان، ص ۶۷).

با بررسی دیدگاه هرمانز، در زمینه دگرارجاعی نظام ترجمه، در می‌یابیم که وظیفه مترجمان، همسازی و همراهی با شرایط حاکم بر فرهنگ مقصد و برآورده ساختن انتظارات و نیازهای مخاطبان این فرهنگ است. همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، مترجمان، ضمن داشتن استقلال کامل، آثار خارجی و شیوه ترجمه این آثار را بر اساس نیازهای فرهنگ مقصد انتخاب می‌کنند.

این استدلال، پاسخی به آن دسته از منتقدان نظریه هدف‌مندی ترجمه است که ترجمه را ابزاری برای برآورده کردن نیازها و انتظارات فرهنگ مقصد می‌انگارند. بر اساس اصل دگرارجاعی نظریه نظام‌های اجتماعی، نظام ترجمه - مانند هر نظام اجتماعی دیگری - نیازمند برقراری ارتباط با سایر نظام‌ها و سازگار شدن با نیازهای آنهاست. بنابراین، دگرارجاعی نظام ترجمه هیچ منافاتی با استقلال این نظام ندارد. اگر نظام ترجمه دگرارجاع نباشد (یا نسبت به نیازهای سایر نظام‌های اجتماعی بی تفاوت باشد)، موجودیت آن به عنوان یک نظام اجتماعی مستقل به خطر می‌افتد.

پیوند ساختاری و بستار عملیاتی نظام ترجمه

نظام ترجمه - مانند هر نظام اجتماعی دیگری - دارای پیوند ساختاری و بستار عملیاتی است. بستار عملیاتی بدان معناست که «نظام ترجمه از اجتماع ارتباطات هم‌سنخ شکل می‌گیرد. در آن هنگام که این گپ و گفتگوی خودمانی سرعت و شدت بگیرد، و در آن هنگام که نظام ترجمه خود را از محیط و خرده نظام‌های گوناگون جامعه مدرن متمایز کند، برنامه‌هایی که جزئیات نظام ترجمه را تشریح می‌کنند، ساختارها و محور اصلی این نظام را شکل می‌دهند و به مرور زمان، موجب تکامل و تحول نظام ترجمه می‌شوند» (هرمانز، ۲۰۰۷، ص ۶۸).

از سوی دیگر، نظام ترجمه با سایر خرده نظام‌های جامعه مدرن پیوند ساختاری دارد. در روند تکامل و تحول نظام ترجمه، پیوندهای ساختاری، نظام ترجمه را قادر می‌سازند تا با محیط ارتباط برقرار کند و آمادگی لازم برای جذب تنش‌های موجود در محیط را در خود ایجاد کند. برای مثال، نظام ترجمه ممکن است احساس کند که آثار ترجمه شده، علی‌القاعده، باید جایی در میان گونه‌های متنی رایج در

جامعه برای خود دست و پا کنند. همین امر نظام ترجمه را بر آن خواهد داشت تا با ایجاد شیوه‌های مناسب بازنمایی، از همسازی و همخوانی آثار ترجمه شده با گونه‌های متنی رایج در جامعه، اطمینان خاطر حاصل کند.

با بررسی دیدگاه هرمانز، درباره دو مفهوم پیوند ساختاری و بستار عملیاتی، در می‌یابیم که نظام ترجمه - مانند هر نظام اجتماعی دیگری - دارای یک ویژگی دویبعدی است. بعد نخست، بستار عملیاتی نظام ترجمه است که بر ساختارها و محورهای اصلی نظام ترجمه متمرکز است. بستار عملیاتی نظام ترجمه نیز ضامن استقلال این نظام، تمایز آن از سایر نظام‌های اجتماعی و خودارجاعی آن (خودکفایی نظام ترجمه در گزینش روش‌ها و ابزارها) است. بعد دوم، یعنی پیوند ساختاری، معطوف به ارتباط نظام ترجمه با سایر نظام‌های اجتماعی است. پیوند ساختاری نظام ترجمه با سایر خرده‌نظام‌ها، ضامن پویایی، دگرارجاعی و سازگاری نظام ترجمه با سایر نظام‌های اجتماعی است.

این استدلال، پاسخی به آن دسته از منتقدان نظریه هدف‌مندی ترجمه است که مرز میان استقلال ترجمه و وابستگی آن به سایر نظام‌های اجتماعی را مبهم قلمداد کرده‌اند. وظیفه نظام ترجمه - مانند هر نظام اجتماعی دیگری - برقراری تعادل میان پیوند ساختاری و بستار عملیاتی یا خودارجاعی و دگرارجاعی و یا به بیان ساده‌تر، استقلال و وابستگی است. هویت نظام ترجمه و بقای آن در گروهی برقراری این تعادل است.

رسانه ارتباطی نمادین نظام ترجمه

یکی از مفاهیم کلیدی نظریه نظام‌های اجتماعی لومان، مفهوم «رسانه ارتباطی نمادین» است. به باور هرمانز، کد خاص مورد استفاده یک نظام از کارکرد و نقش خاص آن نظام نشأت می‌گیرد. رسانه ارتباطی نمادین نظام ترجمه، مفهوم بازنمایی در معنای دوگانه آن، یعنی بازنمایی به مثابه وکالت و بازنمایی به مثابه تشابه است. به باور هرمانز، مفهوم بازنمایی موجب سامان یافتن نظام ترجمه و تمایز این نظام از سایر نظام‌های جامعه مدرن می‌شود.

با بررسی دیدگاه هرمانز - در باره رسانه ارتباطی نمادین نظام ترجمه - در می‌یابیم که رسانه ارتباطی نمادین ترجمه، بازنمایی به مثابه تشابه است. به بیان ساده‌تر، متن ترجمه شده هرگز با متن اصلی برابر

نیست. ترجمه، نوآفرینی متن اصلی در زبان مقصد است. متن ترجمه شده، نیز، صرفاً بازنمودی از متن اصلی است. این نگرش با اصول نظریه هدف‌مندی ترجمه همخوانی دارد.

این دیدگاه، پاسخی به انتقادهای آن دسته از مخالفان نظریه هدف‌مندی ترجمه است که وظیفه نخست مترجم را پایبندی به عناصر زبانی متن اصلی می‌دانند. نظام ترجمه - مانند هر نظام اجتماعی دیگری - نیازمند یک رسانه ارتباطی نمادین مخصوص به خود است. رسانه ارتباطی نظام ترجمه، بازنمایی متن اصلی (به مثابه تشابه) است. اگر نظام ترجمه فاقد رسانه نمادین یادشده باشد، موجودیت آن به عنوان یک نظام اجتماعی به خطر می‌افتد. از همین روی، رسالت نخست نظام ترجمه، نه وکالت متن اصلی، بلکه بازنمایی آن است.

بحث و نتیجه گیری

در این نوشتار، اصول نظریه هدف‌مندی ترجمه را از دیدگاه لومان بررسی کردیم. به باور لومان جامعه مدرن مجموعه‌ای از خرده نظام‌های متفاوت است. هر یک از این خرده نظام‌ها کارکرد خاصی دارند. در جامعه مدرن هر یک از خرده نظام‌ها مبتنی بر یک چارچوب مستحکم (طرح‌واره یا کد) هستند. این چارچوب، سمت و سوی اصلی فعالیت‌های این خرده نظام‌ها را تعیین می‌کنند.

از جمله مفاهیم کلیدی نظریه نظام‌های اجتماعی لومان می‌توان به تمایز، خودارجاعی، دگرارجاعی، بستار عملیاتی، پیوند ساختاری و رسانه ارتباطی نمادین اشاره کرد. تمایز خرده نظام‌ها، بر تفکیک‌پذیری یک خرده نظام از سایر خرده نظام‌ها دلالت می‌کند. مفهوم خودارجاعی به معنای خودکفایی نظام اجتماعی، در گزینش اصول و روش‌هاست. مفهوم دگرارجاعی نشان‌دهنده توجه خرده نظام‌ها به نیازهای گوناگون سایر نظام‌های اجتماعی و تلاش برای برآورده ساختن این نیازهاست. بستار عملیاتی، بر استقلال خرده نظام‌ها و پیوند ساختاری، بر تأثیرپذیری خرده نظام‌ها از متفاوت جهان مدرن از یکدیگر دلالت می‌کند. رسانه ارتباطی نمادین یک نظام نیز، از کارکرد و نقش خاص آن نظام نشأت می‌گیرد.

نتایج به دست آمده از بررسی تطبیقی اصول نظریه هدف‌مندی ترجمه و نظریه نظام‌های اجتماعی لومان حاکی از آن است که:

الف) نظام ترجمه نظامی متمایز است. تمایز و استقلال نظام ترجمه در گروی نقشی است که این نظام ایفا می‌کند. نقش و کارکرد نظام ترجمه، برقراری ارتباط میان‌فرهنگی در فراسوی مرزهای زبانی است. این دیدگاه، با اهداف نظریه هدف‌مندی ترجمه، کاملاً همخوانی دارد. در نظریه هدف‌مندی ترجمه، نیز، کنش ترجمه مبتنی بر هدف فرآیند ترجمه است.

ب) نظام ترجمه، نظامی خودارجاع است. خودارجاعی نظام ترجمه بدان معناست که نظام ترجمه در رویارویی با مسائل گوناگون چاره‌ای ندارد جز اینکه خود درباره این مسائل تصمیم‌گیری کند. به بیان دقیق‌تر، نظام ترجمه برای حل مسائل گوناگونی که فراروی این نظام قرار می‌گیرد، باید با توجه به منابع و شیوه‌هایی که در اختیار دارد، مناسب‌ترین شیوه ارتباطی را انتخاب کند. در صورتی که نظام ترجمه برای حل مسائل گوناگون خود نتواند راه حل مناسبی بیابد، دیگر نمی‌توان آن را یک نظام خودارجاع و یا حتی یک نظام نامید. این دیدگاه، با اهداف نظریه هدف‌مندی ترجمه، کاملاً سازگار است. در نظریه هدف‌مندی ترجمه، نیز، بر استقلال مترجمان در یافتن مناسب‌ترین شیوه ارتباطی تأکید شده است.

ج) ویژگی دیگر نظام ترجمه، دگرارجاعی است. بعد دگرارجاعانه نظام ترجمه، خرده‌نظام‌های گوناگون جامعه مدرن را قادر می‌سازد تا به فراخور نیازها و مقتضیات خود هم شیوه ترجمه برخی از آثار را تعیین کنند و هم آثار ترجمه شده مورد نیاز خود را بر اساس معیارها و ضوابط مد نظر خود جرح و تعدیل کنند. این دیدگاه، با اهداف نظریه هدف‌مندی ترجمه، کاملاً سازگار است؛ چرا که در نظریه هدف‌مندی ترجمه، نیز، مترجم به نیازها و خواسته‌ها و انتظارات مخاطبان فرهنگ مقصد توجه خاصی دارد.

د) نظام ترجمه - مانند هر نظام اجتماعی دیگری - دارای یک ویژگی دویعدی است: بعد نخست، بستار عملیاتی نظام ترجمه است که بر ساختار و محورهای اصلی نظام ترجمه متمرکز است. بستار عملیاتی نظام ترجمه ضامن استقلال نظام ترجمه، تمایز آن از سایر نظام‌های اجتماعی و خودارجاعی آن (خودکفایی نظام ترجمه در گزینش روش‌ها و ابزارها) است. بعد دوم، یعنی پیوند ساختاری، معطوف به ارتباط نظام ترجمه با سایر نظام‌های اجتماعی است. پیوند ساختاری نظام ترجمه با سایر خرده‌نظام‌ها، ضامن پویایی، دگرارجاعی و سازگاری نظام ترجمه با سایر نظام‌هاست. این دیدگاه، با اهداف نظریه

هدف‌مندی ترجمه، کاملاً همخوانی دارد. در نظریه هدف‌مندی، نیز، بر ایجاد تعادل میان استقلال مترجم و تعهد وی به برآورده ساختن نیازهای فرهنگ زبان مقصد تأکید شده است.

ذ) یکی از مفاهیم کلیدی نظریه نظام‌های اجتماعی لومان، مفهوم «رسانه ارتباطی نمادین» است. رسانه ارتباطی نمادین ترجمه، بازنمایی به مثابه تشابه است. به بیان ساده‌تر، متن ترجمه شده هرگز با متن اصلی برابر نیست. ترجمه، نوآفرینی متن اصلی در زبان و فرهنگ مقصد است. متن ترجمه شده، نیز، صرفاً بازنمودی از متن اصلی است. این نگرش با اصول نظریه هدف‌مندی ترجمه همخوانی دارد.

جایگاه نظام ترجمه و نقش مترجمان

با بهره‌گیری از افق فکری جدیدی که نظریه نظام‌های چندگانه فراروی ما می‌گشاید، می‌توانیم به انتقادهای مخالفان نظریه هدف‌مندی ترجمه پاسخ گوئیم و نقش و جایگاه حقیقی نظام ترجمه را بهتر درک کنیم. به باور منتقدان نظریه هدف‌مندی ترجمه، این نظریه به عناصر زبانی متن مبدأ وفادار نیست، جایگاه مترجمان را جایگاهی حاشیه‌ای قلمداد می‌کند، ترجمه را در (خدمت) اختیار اهداف فرهنگ مقصد می‌بیند، مرز میان استقلال ترجمه و ارتباطات اجتماعی آن را دقیقاً مشخص نمی‌کند و به بازآفرینی متن مبدأ اهمیت نمی‌دهد.

انتقاد نخست این است که نظریه هدف‌مندی ترجمه به عناصر زبانی متن مبدأ وفادار نیست. این نقد را می‌توان چنین پاسخ گفت که اگر مترجمان، در جریان فرآیند ترجمه، تمامی تلاش خود را بر رمزگردانی متن اصلی معطوف کنند، موفق به برقراری ارتباط فرهنگی با خوانندگان زبان مقصد نخواهند شد. در صورت ناکامی مترجمان در برقراری ارتباط میان فرهنگی، نظام ترجمه قادر به ایفای نقش اصلی خود نخواهد بود. عدم موفقیت نظام ترجمه در ایفای نقش اصلی خود، جایگاه این نظام را - به عنوان یک نظام مستقل - زیر سؤال می‌برد. این استدلال برای منتقدان نظریه اسکوپوس - که طرفدار پایبندی بی‌چون و چرای مترجم به عناصر زبانی متن مبدأ هستند - تأمل برانگیز است.

انتقاد دوم این است که نظریه هدف‌مندی ترجمه، جایگاه مترجمان را جایگاهی حاشیه‌ای قلمداد می‌کند. این نقد را می‌توان چنین پاسخ گفت که مترجمان برای حل مسائل گوناگون ترجمه، از منابع و

امکانات نظام ترجمه بهره می‌گیرند. خودارجاعی مترجمان از ماهیت خودارجاع نظام ترجمه - به عنوان یک نظام اجتماعی مستقل و متمایز - ناشی می‌شود.

انتقاد سوم این است که نظریه هدف‌مندی ترجمه در خدمت اهداف فرهنگ مقصد است. این نقد را می‌توان این گونه پاسخ داد: بر اساس اصل دگرارجاعی نظریه نظام های اجتماعی، نظام ترجمه - مانند هر نظام اجتماعی دیگری - نیازمند برقراری ارتباط با سایر نظام‌ها و سازگار شدن با نیازهای آنهاست. بنابراین، دگرارجاعی نظام ترجمه با استقلال آن در تضاد نیست. اگر نظام ترجمه دگرارجاع نباشد (یعنی نسبت به نیازهای سایر نظام های اجتماعی بی تفاوت باشد)، موجودیت آن به عنوان یک نظام اجتماعی به خطر می‌افتد.

انتقاد چهارم این است که نظریه هدف‌مندی ترجمه، مرز میان استقلال ترجمه و ارتباطات اجتماعی آن را دقیقاً مشخص نمی‌کند. در پاسخ به این نقد می‌توان گفت که وظیفه نظام ترجمه - مانند هر نظام اجتماعی دیگر - برقراری تعادل میان پیوند ساختاری و بستار عملیاتی یا خودارجاعی و دگرارجاعی و یا به زبان ساده‌تر استقلال و وابستگی است. هویت نظام ترجمه و بقای آن در گروی برقراری این تعادل است. این استدلال، پاسخی است به آن دسته منتقدان نظریه هدف‌مندی ترجمه که مرز میان استقلال ترجمه و وابستگی آن به سایر نظام های اجتماعی را مبهم قلمداد کرده اند.

انتقاد پنجم این است که نظریه هدف‌مندی ترجمه به بازآفرینی متن مبدأ بی‌اعتناست. نظام ترجمه - مانند هر نظام اجتماعی دیگری - نیازمند یک رسانه ارتباطی نمادین است. رسانه ارتباطی نظام ترجمه، بازنمایی متن اصلی (به مثابه تشابه) و برقراری ارتباط میان فرهنگ‌های گوناگون است. اگر نظام ترجمه فاقد رسانه نمادین یادشده باشد، موجودیت آن به عنوان یک نظام اجتماعی به خطر می‌افتد. از همین روی، رسالت نخست نظام ترجمه، نه وکالت متن اصلی، بلکه بازنمایی آن است. این دیدگاه، پاسخی به انتقادهای آن دسته از مخالفان نظریه هدف‌مندی ترجمه است که وظیفه نخست مترجم را پایبندی مطلق به عناصر زبانی متن اصلی می‌دانند.

همان‌طور که در این نوشتار نشان دادیم، با بهره‌گیری از چشم انداز جامعه‌شناختی ارائه شده در نظریه نظام‌های اجتماعی نه تنها می‌توانیم به انتقادهای مخالفان نظریه هدف‌مندی ترجمه پاسخ دهیم، بلکه این نظریه ما را قادر می‌سازد تا نقش و جایگاه حقیقی نظام ترجمه را بهتر درک کنیم. بر اساس این نگرش

جدید، پابندی مترجم به نیازها و انتظارات جامعه مقصد به معنای حاشیه‌ای بودن جایگاه مترجمان نیست، بلکه به نقش خرده نظام ترجمه و ارتباط آن با سایر خرده نظام‌های اجتماعی مرتبط است. فلسفه وجودی ترجمه - به عنوان یک نظام اجتماعی - در گروی مرتبط ساختن فرهنگ‌ها و زبان‌های گوناگون به یکدیگر است. پر واضح است که نظام ترجمه برای رسیدن به این هدف می‌تواند از تمام گزینه‌های ممکن بهره‌گیرد. رکن اساسی نظریه هدف‌مندی ترجمه نیز همین آزادی، یعنی آزادی نظام ترجمه در گزینش روش‌ها و ابزارهاست.

کتابنامه

- شافتر، کریستینا. (۱۳۸۵). «ارزیابی کیفیت ترجمه: از ترجمه خوب به ترجمه متناسب نقش گرا». ترجمه بهروز کروبی. گاهنامه علمی، فرهنگی، خبری. شماره ۲.
- منافی‌اناری، سالار. (۱۳۸۷). «کرسی نظریه پردازی: جدایی ناپذیر بودن ترجمه از زندگی روزانه انسان». دبیرخانه هیئت حمایت از کرسی‌های نظریه پردازی، نقد و مناظره. صص ۶۶-۶۴.
- هریسون، پل. (۱۹۹۸). «نیکلاس لومان و نظریه نظام‌های اجتماعی». ترجمه یوسف اباذری. فصلنامه ارغنون. شماره ۱۷.
- Armstrong, N. (۲۰۰۵). *Translation, Linguistics and Culture*. Toronto: Multilingual Matters.
- Baker, M. , & Saldanha, G. (۲۰۰۹). *Rutledge Encyclopedia of Translation Studies*. USA and Canada: Rutledge.
- Bassnett, S. (۲۰۰۲). *Translation Studies*. USA and Canada: Rutledge.
- Bielsa, E. , & Basnet, S. (۲۰۰۹). *Translation in Global News*. USA and Canada: Rutledge.
- De Leon, C. M. (۲۰۰۸). *Skopos and Beyond: A Critical Study of Functionalism*. Amsterdam: John Benjamin's Publishing Company.
- Hermans, T. (۲۰۰۷). Translation, irritation and resonance. In *Constructing Sociology of Translation*, Wolf, M. , & Fukari, A. (eds.). Amsterdam: John Benjamin's Publishing Company.
- Holz-Mänttäri, J. (۱۹۸۴). *Translatorisches Handeln: Theorie und Methode*. Helsinki: Suomalainen Tiedeakatemia.
- Hung, E. (۲۰۰۵). *Translation and Cultural Change*. Amsterdam: John Benjamin's Publishing Company.

- Koch, A. (۲۰۰۷). *Poststructuralism and the politics of method*. UK: Rowman & Littlefield Publishing Group.
- Jing, M., & Su-Zhen, R. (۲۰۰۸). *Skopos Theory and Translating Strategies of Cultural Elements in Tourism Texts*. *Sino-US English Teaching*, ۹(۹), ۳۴-۳۷.
- Koskinen, K. (۲۰۰۰). *Beyond Ambivalence: A Thesis Submitted to University of Tampere*.
- Kuhiwszak, P., & Littaw, K. (۲۰۰۷). *A Companion to Translation Studies (Topics in Translation)*. Toronto: Multilingual Matters.
- Lambert, K. (۲۰۰۶). *Functional Approaches to Culture and Translation*. Amsterdam: John Benjamin's Publishing Company.
- Luhmann, N. (۱۹۹۵). *Social Systems*. Trans. John Bednarz. Stanford: Stanford University Press.
- Luhmann, N. (۲۰۰۰). *Art as a Social System*. Trans. Eva Knodt. Stanford: Stanford University Press.
- Munday, J. (۲۰۰۱). *Introducing Translation Studies: Theories and Applications*. USA and Canada: Routledge.
- Munday, J. (۲۰۰۹). *Routledge Companion to Translation Studies*. London & New York: Taylor & Francis Routledge.
- Nord, C. (۱۹۸۸). *Textanalyse und Übersetzung. Theoretische Grundlagen, Methode und didaktische Anwendung einer übersetzungsrelevanten Textanalyse*. Heidelberg: Groos.
- Nord, C. (۲۰۰۶). Loyalty and Fidelity in Specialized Translation, *Translation and Localization Journal*, ۴, ۲۹-۴۱.
- _____. (۲۰۰۵). Making Otherness Accessible: Functionality and Skopos in the Translation of New Testament Text, *Meta*, ۵۰, ۸۶۸-۸۸۰.
- Prunc, E. (۲۰۰۷). Priests, princes and pariahs: Constructing the professional field of translation. In *Constructing Sociology of Translation*, Wolf, M., & Fukari, A. (eds.). Amsterdam: John Benjamin's Publishing Company.
- Pym, A. (۲۰۰۷). Philosophy and Translation. In *A Companion to Translation Studies (Topics in Translation)*, Kuhiwszak, P., & Littaw, K. (eds.). Toronto: Multilingual Matters.
- _____. A. (۲۰۱۰). *Translation Theory Today and Tomorrow Responses to Equivalence*, in, Lew N. Zybatow (ed.) *Translationswissenschaft - Stand und Perspektiven*, Frankfurt aM: Peter Lang.

- Snell- Hornby, M. (۲۰۰۶), *The Turns of Translation Studies: New Paradigms or Shifting Viewpoints?*. Amsterdam: John Benjamin's Publishing Company.
- Sunwoo, M. (۲۰۰۷). *Operationalizing the Translation Purpose (skopos)*, LSP Translation Scenarios, MuTra proceedings.
- Venuti, L. (۲۰۰۴). *The Translation Studies Reader*. USA and Canada: Rutledge.
- Wolf, M. , & Fukari, A. (۲۰۰۷). *Constructing Sociology of Translation*. Amsterdam: John Benjamin's Publishing Company.

